

## نقطه نظر / سرمقاله

## میراث ادب دری: منظر ایرانی شرق

خوش بیا ای نکته‌سنج خاوری ای که می‌زیبد تو را حرف دری  
محرم رازیم با ما راز گوی آن چه می‌دانی ز ایران باز گوی (علامه اقبال لاهوری)

سیزدهمین سال انتشار پیاپی فصل‌نامه دانشگاهی هنر و تمدن شرق را اینک در پیش رو داریم. در سیزده سالی که گذشت، کوشش مدیریت، گروه دبیران و نویسندگان هنر و تمدن شرق بر این بوده است که استوار بر شالوده‌های تاریخی و باستان‌شناختی، در پیچه‌ای ایران‌شناختی به افق شرق فرهنگی بکشایند: این که از پیدایش و پرورش مفهوم ایران‌شهر و واژه ایران و آگاهی تاریخی ایرانی بیش از دو هزاره می‌گذرد، واقعیتی است تاریخی؛ بدین معنا که از روزگار ساسانیان تا به امروز، در سرزمینی پهناور از غرب آسیا و در همسایگی مرزهای فرهنگی غرب که تمدن‌های کهن سال یونان و روم پیشامسیحی و سپس بیزانس مسیحی آن را نمایندگی می‌کردند، مردمانی زیسته و بالیده‌اند که خویشتن را ایرانی دانسته‌اند؛ از مزار خرداد پور اورمزدا فرید که زندگی‌اش در قسطنطنیه بیزانس به پایان آمد (Nyberg, 1968) تا پایان ایلخانان، به نوشته «نزهت‌القلوب» حمدا... مستوفی قزوینی، سرزمین‌های میانه رودهای فرات و سیردریا و دربند قفقاز به تا خلیج فارس زیستگاه مردمانی بود که نسبت به هویت ایرانی خویش آگاهی تاریخی داشتند؛ برای نمونه، حتی سالیان سال پس از ساسانیان، شرف‌الدین کرد بدلیسی (۱۸۶۰) وقتی که به سفارش سلطان محمد سوم عثمانی کتاب «شرف‌نامه» را درباره تاریخ و تبار مردمان کردستان می‌نوشت، به نسب ساسانی پدران خویش اشاره دارد؛ باز آن که تاریخ سده‌های اسلامی ایران گواه بازاندیشی حکمت و فرهنگ ساسانیان است: حکمت خسروانی شیخ شهاب‌الدین سهروردی که از آذربادگان برخاست و به زبان فارسی ماندگار گشت (Corbin, 1971) و یادر نمونه‌های دیگر، عصر خواجه نصیرالدین طوسی هر چند با یورش مرگبار مغولان به خراسان آغاز شد، اما پایان آن را خیزش فرهنگ ایرانی عصر خواجه رشیدالدین فضل... رقم زد که از ساسانیان سرمشق می‌گرفت؛ وانگهی همین پرسش شمس تبریزی که «زبان پارسی را چه شده است؟ بدین لطیفی و خوبی!» گفتمان دری را چونان زبان مدنیت ایرانی برکشید و با سنت شاهنامه‌نویسی دربار تبریز ایلخانی و پارسی‌نویسان ربع رشیدی پرورش یافت (Ajourloo, 2018) و البته اگر از بازتاب خاطر ایوان کسری در چکامه خاقانی شروانی و صفة مسجد علی‌شاه تبریزی تا واپسین ایلخان مغول یاد کنیم که خویشتن را انوشیروان عادل لقب داد و یادمان‌های فتح‌علی‌شاه قاجار در کنار نقش برجسته‌های شاهنشاهان ساسانی در ری و کرمانشاه را نیک بنگریم، همگی اندک نمونه‌هایی از پر شمار بن‌مایه‌های ادبی و تاریخی و باستان‌شناختی گواه بر پیوستگی اندیشه ایران شهری ساسانیان هستند. دوره ایلخانان روزگار گسترش زبان ادبی و دیوانی فارسی به بیرون از مرزهای ایران بوده است: این بطوطه که فارسی را در هندوستان سده هشتم آموخته بود، آن را زبان دیوانی هندوستان و زبان بازرگانان چین و راه‌ابریشم معرفی کرده است؛ کمالین که به نوشته «مقدمه» ابن‌خلدون، دیگر اندیشمند عصر خواجه رشیدالدین، ایرانیان بانیان گسترش صنعت و شهرنشینی شرق بودند.

## فهرست منابع

- لاهوری، علامه محمد اقبال. (۱۳۱۱). *جاویدنامه*. لاهور.
- Ajourloo, B. (2018). The effect of Tabriz Ilkhanid school of Shāhnāma eluminaire and calligraphy in the palatial culture of the Late Shirvānshāh dynasty in Baku. In V. Quliyva (Ed.), *Journey from Modern Azerbaijan to the Historical State of Shirvānshāhs* (pp. 47-59). Baku.
- Bidlisi, S. (1860). *Scheref-Nameh ou Histoire des Kourdes*. In V. V. Zernof (Ed.), Académie Impériale Russe des Sciences.
- Corbin, H. (1971). *En Islam Iranien Aspects Spirituels et Philosophiques*. Gallimard.
- Nyberg, H. S. (1968). L'inscription Pehlevie D'Istanbul. *Byzantion*, 38(1), 112-122. <http://www.jstor.org/stable/44169292>

بهرام آجورلو

سر دبیر

ajorloo@tabriziau.ac.ir

## COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

آجورلو، بهرام. (۱۴۰۳). میراث ادب دری: منظر ایرانی شرق. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۱۲ (۴۶)، ۵.

DOI: 10.22034/JACO.2025.212591

URL: [https://www.jaco-sj.com/article\\_212591.html](https://www.jaco-sj.com/article_212591.html)